

آموزه ای بهار

باز تازه گشته در چمن آوازه ای بهار
باغ و دربزم آرا شدازخمیازه ای بهار
ابراگرشوید چهره بوسستان در زمین
قوس قزح در نیلگون دستبازیه ای بهار
قدسیان گویی پیغام شادی آورده اند
لولیان شدند حاجب دروازه ای بهار
آفتاب نوروز دیده بان چاک گل شده
هررگی از نقش قدرت شیرازه ای بهار
از زمین تا آسمان آیت خلقت وجود
فهم نما معانی از طبع تازه ای بهار
بنفشه و پتونی، شقایق تا نسترن
سبزه و گل، زمرد و فیروزه ای بهار
سروسهی چون قامت یارم شده رسا
از گل گوشواره دارد آویزه ای بهار
رنگه دار داین بساط ایدل عبرت آموز باش
زردی ای پائیز آیتبست از غازه ای بهار
گر ذهن خالی سازم از فتنه و شک و ریا
از جلوه ای حق است طبع پاکیزه ای بهار
خرافات در عقاید گشته به تابو بدل
نیست چشم بینا ، و ابیند آموزه ای بهار
خواندی "ربنا ما خلقت هذا باطلا "

بحر معانیست دریاورم زاده ای بهار
فلسفه ای زندگانی دوریست از تسلسل
این راز را دریا ب فروغ از اندازه ای بهار
لندن : م.ش. فروغ

4 حمل 1394